

## چرا در معارف اسلامی اهل بیت (علیهم السلام) کانون خیر و برکت معرفی شده‌اند؟

### چرا کارها بدون پیوند با کانون خیر و برکت به سرانجام نخواهند رسید؟

ما در زندگی همواره در پی دستیابی به انواع مختلفی از کمالات هستیم و کمتر کسی را می‌توان یافت که در مسیر رشد و پیشرفت برای خود حد و مرزی قائل باشد. میل به ثروت، شهرت، قدرت، یا رسیدن به مدارج علمی و اجتماعی بالا، همه جلوه‌هایی از روح کمال‌طلب ما هستند. اما نکته اینجاست که هر کمالی لزوماً خیر و سعادت ما را در پی ندارد؛ چه بسیار افرادی که بدون پیوند با کانون خیر و برکت، در مسیر دستیابی به همین کمالات ظاهراً موجه دچار غفلت و سقوط معنوی شده و در نتیجه از رسیدن به کمال حقیقی یا کمال انسانی خود بازمانده‌اند.

بنابراین صرفِ دستیابی به کمالات مورد پسند جامعه نمی‌تواند تضمینی برای سعادت ما باشد. ما باید بیاموزیم که چگونه میان کمال و آنچه خیر ما در آن است، تمایز قائل شده و در حقیقت به دنبال کمالاتی باشیم که با خیر و نفع حقیقی ما پیوند خورده‌اند. گاهی بزرگ‌تر شدن خانه، افزایش شهرت یا موفقیت علمی، نه‌تنها به سود ما نیست که آرامش درونی‌مان را سلب کرده و جلوی ارتباط ما با حقیقت را نیز می‌گیرد.

هرچند خیر هر فرد بسته به شرایط، استعداد و موقعیتش متفاوت است، اما واضح است که ما به تنهایی قادر به تشخیص راه درست و خیر حقیقی نبوده و در این مسیر نیازمند اتصال به سرچشمه مطلق خیر، یعنی معصومین (علیه السلام) هستیم؛ ما در این مقاله قصد داریم بررسی کنیم که چرا اتصال به هر چیزی جز اهل بیت به عنوان کانون خیر و برکت در رسیدن ما به سعادت بی‌نتیجه بوده و برای ما خطرناک و مشکل‌ساز خواهد بود؟

## چرا موفقیت‌ها بدون معصوم معنا ندارد؟

به طور طبیعی، ایده‌آل‌ترین وضعیت برای رسیدن به هر نوع کمال، دستیابی به مبدأ و سرچشمه آن کمال است و ما در مسیر رسیدن به کانون خیر و برکت نیز از این قاعده مستثنا نیستیم. اعمال ما زمانی موجب سعادت حقیقی‌مان خواهد شد که برایمان آرامش و شادی درونی به ارمغان بیاورند و این جز با پیوند دادن اعمال به منبع همه خیرات و برکات، یعنی اهل‌بیت (علیهم‌السلام) ممکن نیست؛ چراکه آنان دارای نزدیک‌ترین سنخیت و همانندی با ذات الهی یا کمال مطلق بوده و آیینه تمام‌نمای وجود بی‌نهایت خداوند هستند؛ از همین رو ارتباط و اتصال با ایشان می‌تواند دریچه‌ای برای دستیابی به کانون خیر و برکت و ضامن موفقیت ما در پیمودن مسیر زندگی انسانی و رسیدن به هدف خلقتمان باشد.

هر کاری که آغاز آن بدون پیوند با اهل‌بیت باشد، به مقصد حقیقی‌اش نخواهد رسید. ما یا مسیر رشد خود را با در نظر گرفتن مصالح بخش فوق‌عقلانی‌مان و به وسیله هدایت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) پیش خواهیم برد، یا در انتخاب اولویت‌ها دچار خطا شده و ابعاد پایینی وجود خود را در اولویت قرار می‌دهیم؛ در نتیجه، چون از مبدا و کانون خیر و برکت جدا افتاده و مکتب فکری یا الگویی را به عنوان مربی برمی‌گزینیم که شایستگی و صلاحیت هدایت ما را ندارد، به موفقیت و سعادت حقیقی دست پیدا نمی‌کنیم.

در واقع، موفقیت زمانی محقق می‌شود که نه تنها آغاز راه، بلکه پایان آن نیز بر اساس اولویت‌ها، دغدغه‌ها و جهت‌گیری‌های معصوم تنظیم شده باشد. از آنجا که اهل‌بیت (علیهم‌السلام) به‌طور کامل بر ساختار وجودی و مسیر حرکت و غایت آفرینش ما آگاهند، قادرند با سامان دادن درست به انتخاب‌ها، ارتباطات، افکار و رفتار ما، به زندگی‌مان جهت بخشیده و ما را به بهترین سرانجام ممکن یعنی شباهت با الله برسانند؛ در حقیقت نقش معصوم در تمامی این روابط رساندن ما به الله بوده و معصوم نقشی جز قرار دادن دستان ما در دست الله ایفا نمی‌کند.

بنابراین، ما تنها زمانی می‌توانیم با اطمینان نسبت به مسیر حرکت، هدفی که در پیش رو داریم و نتیجه‌ای که در نهایت عاید ما خواهد شد، اقدام کنیم که سبک زندگی خود را بر محور دغدغه‌های معصوم بنا کرده و در این مسیر گام به گام با اهل بیت (علیهم‌السلام) همراه شویم.

### موفقیت حقیقی در گرو پیوند با اهل بیت (علیهم‌السلام)

تصور اینکه کمال و شایستگی ما تنها در رفاه مادی، موفقیت‌های اقتصادی و اجتماعی یا پیشرفت‌های شخصی خلاصه شود، تصور نادرستی است؛ زیرا کمال حقیقی زمانی حاصل می‌شود که همه فعالیت‌ها، تصمیم‌ها و روابط ما در راستای تشبه و رساندن ما به کمال مطلق تنظیم شوند که این امر مستلزم تنظیم سبک زندگی بر محور دغدغه‌ها و خواسته‌های معصوم و هماهنگی با اراده اوست.

در غیر این صورت، هرچند در ظاهر به موفقیت‌های گوناگون دست یافته و از دیدگاه اجتماعی فردی موفق یا حتی خدمتگذار به نظر بیاییم، مادامی که اهل بیت را به عنوان منشاء و کانون خیر و برکت از معادلات زندگی خود حذف کرده‌ایم، به حقیقت هدف و ثمره اعمالمان دست پیدا نمی‌کنیم.

اهل بیت (علیهم‌السلام) تنها انسان‌های معصوم و آگاه به تمام ابعاد وجودی انسان هستند که از سوی خداوند به عنوان متخصصان حقیقی در امور زندگی ما منصوب شده‌اند. آنان نه تنها اصول اساسی حیات بشر را تعیین می‌کنند، بلکه تنظیم جزئی‌ترین جنبه‌های زندگی ما را نیز برای رسیدن به کانون خیر و برکت بر عهده دارند؛ در واقع تنها کسی می‌تواند نفع و خیر واقعی انسان را تشخیص دهد که بر همه زوایای ساختار وجودی او، مسیر پیش رو و نفع و خیر واقعی‌اش احاطه کامل داشته باشد و از آنجایی که معصوم نه تنها در منتها الیه خیر و رحمت بوده، بلکه از علم الهی و بینش تخصصی لازم برای هدایت انسان در مسیر تحقق هدف آفرینش برخوردار است، تنها فردی است که شایستگی و توانایی رساندن ما به کمال انسانی و هدف خلقتمان را داراست.

در واقع پیوند با اهل بیت (علیهم‌السلام) در حکم پیوند با ریشه است و طبیعتا با از دست رفتن ریشه، شاخ و برگ هم برای ما ثمر خاصی نخواهد داشت.

### اهل بیت (علیهم‌السلام) غایت و منتهای هدف ما

فارغ از اینکه ما چه مسیری را برای خود انتخاب می‌کنیم، طبیعتا الگویی را برای رسیدن به منتهای غایت مطلوب خود برمی‌گزینیم. در این میان عقل ما حکم می‌کند که در صورت پیدا کردن الگویی کامل‌تر و مطلوب‌تر از آنچه برای خود انتخاب کرده‌ایم، نسخه قبلی را رها کرده و امور خود را با الگوی جدیدتر و مناسبات او تنظیم کنیم. اما از آنجایی که اهل بیت کامل‌ترین نسخه موجود از کمال مطلق هستند، انتخاب آن‌ها به عنوان الگو در غایت و نهایت مرتبه بوده و جایگزینی ندارد؛ در حقیقت انتخاب هر فرد و مکتبی جز اهل بیت و مکتب معصوم، موجب تنزل ما و بازماندندمان از رسیدن به غایت و هدف خلقت می‌شود.

به عبارتی از آنجایی که اهل بیت غایت و منتهای الیه کمالات بوده و مرتبه‌ای بالاتر از آن‌ها در شباهت به الله در عالم هستی وجود ندارد، نمی‌توان از اهل بیت عبور کرد و در خیر و زیبایی به مرتبه‌ای بالاتر رسید. با این وجود انسان موفق کسی است که از ابتدا امور خود را با موجودی که در اوج قله کمالات قرار دارد، تنظیم کرده و از او برای رسیدن به نهایت کمال مدد بگیرد.